

چشم‌انداز روند تحولات سیاسی در سوریه

از سال ۲۰۱۱ با وزیدن نسیم بهار عربی در سوریه تا سال ۲۰۲۴ و سقوط دولت بشار اسد که گروه‌های مخالف مسلح تحت حمایت ترکیه و قطر در آن نقش اصلی را داشتند، حداقل ۵۲۸ هزار تن از مردم سوریه جان خود را از دست دادند. تنها در سال گذشته میلادی ۶۷۷۷ سوری کشته شدند که ۳۵۹۸ تن از آنها غیرنظامی بودند.

در طول این سال‌ها نیمی از جمعیت سوریه در داخل کشور آواره گشتند و بین ۵ تا ۶ میلیون سوری نیز به کشورهای خارج از جمله کشورهای همسایه، ترکیه، لبنان و اردن پناهنده شدند. در طول این سال‌ها براساس آمار بانک مرکزی سوریه تولید ناخالص داخلی سوریه ۵۴ درصد و براساس آمار بانک جهانی ۸۴ درصد کاهش یافت. هم اکنون حداقل نیمی از مردم سوریه قادر به تامین نیازهای اولیه زندگی خود نیستند.

سرنوشتی دولت بشار اسد برای مردم ستم‌دیده سوریه با بیم و امید همراه شد. وقتی که گروه اسلام‌گرای "هیأت تحریر شام" دست بالا را در دمشق پیدا کرد و به سرعت نیروهای خود و متحدانش را به مقامات دولتی برگزید، این بیم شکل جدی‌تری به‌خود گرفت. دولتی که نه با انتخاب مردم بلکه با حمایت دولت‌های خارجی قدرت را در دمشق به دست گرفته بود.

سرنوشتی بشار اسد و به قدرت رسیدن "هیأت تحریر شام" به سرعت با استقبال دولت‌های امپریالیستی آمریکا و اروپا، و دولت‌های منطقه همچون ترکیه، عربستان سعودی، قطر، امارات، اردن و مصر همراه گردید که آماده بودند تا نقش و نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را در سوریه بگسترانند. بیرون راندن جمهوری اسلامی از سوریه و تضعیف موقعیت روسیه یکی دیگر از دلایل خوشحالی دولت‌های امپریالیستی و نیز دولت صهیونیستی اسرائیل بود. جالب آن‌که "هیأت تحریر شام" در لیست گروه‌های تروریستی همان دولت‌های امپریالیستی آمریکا و اروپا قرار دارد.

ابتدا هیاتی از سوی دولت آمریکا به سرپرستی معاون وزرات خارجه به سوریه رفت و سپس وزرات خارجه آلمان و فرانسه به نمایندگی از اتحادیه اروپا به سوریه سفر کرده و با احمد الشرع رهبر "هیأت تحریر شام" دیدار کردند. وزیر خارجه ترکیه نیز اولین مقام یک دولت

در صفحه ۲

هذیان گویی دیکتاتور در حال احتضار

نگران است. او گرچه آگاهانه از اعتراف به شکست و ناکامی پرهیز می‌کند، اما خیلی خوب میداند که عواقب و تأثیرات چنین شکست سخت و سنگین و ویران کننده‌ای، دل تمام جانبداران باقی مانده وی را سخت لرزانده و بخشاً خالی کرده است. پدیده ریزش نیروهای طرفدار خویش را از نزدیک مشاهده نموده است. صرف نظر از جریان‌هایی چون حماس، جهاد اسلامی، حزب الله و حشدالشعبی که ستاره بختشان یکجا غروب

در صفحه ۳

این روزها خامنه‌ای رهبر حکومت اسلامی زیاد حرف می‌زند. او به هر مناسبتی منیر می‌رود و البته چندان هم برایش مهم نیست به چه مناسبتی و چه بهانه‌ای سخنرانی می‌کند. بهانه، گوی هرچه باشد، اما همین‌که دهان باز می‌کند همه متوجه نگرانی شدید وی می‌شوند. همه متوجه می‌شوند که او از عواقب شکست‌ها و افتضاحاتی که جمهوری اسلامی و رهبر آن در عرصه‌های مسایل داخلی به ویژه در عرصه مسایل خارجی و منطقه‌ای ببار آورده است، به شدت پریشان و

زنان خاورمیانه، پیشگامان مبارزه با ارتجاع اسلامی!



در جریان و در پی سقوط حکومت بشار اسد، صحنه‌های آشنائی در پهنه سیاسی سوریه آفریده شد و در معرض دید جهانیان قرار گرفت. صحنه‌هایی که در آن زنان این کشور در بسیاری از شهرها وسیعاً به خیابان‌ها آمده و نسبت به قدرت‌گیری جریان‌های مرجع اسلامی و تبعات قدرت‌گیری آنها برای زنان هشدار دادند. آنها با حضور گسترده در خیابانها و برپائی

در صفحه ۵

ورشکستگی جمهوری اسلامی فرصتی برای گسترش مبارزات

با گذشت بیش از یک دهه موضوع پیوستن جمهوری اسلامی به «اف ای تی اف» یا گروه ویژه اقدام مالی به عنوان امری عاجل در کابینه و روزنامه‌های داخل ایران بازتاب یافته است. موضوعی که لایحه آن به دلیل نزاع‌های درونی حاکمیت طی سال‌های متمادی در مجمع تشخیص مصلحت نظام بلاتکلیف مانده بود و اکنون مسعود پزشکیان با اعلام اینکه خامنه‌ای با طرح مجدد این لایحه موافق است، موجی از تبلیغات کذابی را در جامعه دامن زده است.

در صفحه ۶

تورم و آمار جعلی بانک مرکزی

اعتراض به تورم و دستمزد و حقوق ناچیزی که کفاف حداقل زندگی آن‌ها را هم نمی‌دهد، از همه سو، در اعتصابات، تجمع‌های اعتراضی و تظاهرات خیابانی دیده می‌شود. شعار هزینه‌ها دلاری است، حقوق ما ریالی است، شعار اغلب این اعتراضات است. کارگران، معلمان،

در صفحه ۱۰

واقعیت وخیم اوضاع اقتصادی، رکود مزمن و تورم افسارگسیخته دورقمی که سال‌هاست به جزء جدائی‌ناپذیری از سرمایه‌داری ایران تبدیل شده، چنان آشکار است، که دیگر بر کسی پوشیده نیست.

عموم مردم ایران از گرانی پی‌درپی کالاها و مایحتاج روزمره، جانشان به لب رسیده است.

چشم‌انداز روند تحولات سیاسی در سوریه

خارجی بود که به دمشق رفت و در مسجد اموی نماز خواند، اردوغان نیز همزمان از آرزوی خود برای خواندن نماز در مسجد اموی سخن گفت. قطر، عربستان و دیگر کشورهای عربی منطقه نیز به سرعت سفارت‌خانه‌های خود را در دمشق بازگشایی کردند و یا در حال بازگشایی هستند.

وزیر خارجه دولت "هیأت تحریر شام" در اولین سفر خارجی خود به عربستان سعودی رفت و مورد استقبال مقامات این کشور قرار گرفت. وی در این سفر خواستار سرمایه‌گذاری عربستان در سوریه شد. گروه "هیأت تحریر شام" برای تثبیت موقعیت خود به عنوان دولت حاکم بر سوریه به‌ویژه بر حمایت دولت‌های منطقه و نه مردم سوریه حساب کرده است.

گروه "هیأت تحریر شام" اگرچه سال‌ها پیش از القاعده جدا شد و سعی کرد چهره‌ی میان‌رو به خود بگیرد، اما واقعیت این است که گروه مزبور یک گروه اسلام‌گراست و اگر بتواند بدون تردید در پی ایجاد یک دولت اسلامی و اداره کشور براساس قوانین اسلامی برخواند آمد. بسیاری از نیروهای این گروه شبه‌نظامی که اکنون رهبری و بدنه ارتش سوریه را تشکیل داده‌اند، در کشتار مردم غیرنظامی در لباس گروه‌های فوق ارتجاعی و جناب‌کاری چون داعش و القاعده نقش داشتند. حتی در تعیین سران ارتش جدید سوریه تعدادی از شبه‌نظامیان خارجی که برای "جهاد" به سوریه آمده بودند و بیشتر با گروه‌های القاعده و داعش همکاری داشته و یا نزدیک بودند با درجاتی از سرتیپی تا سرهنگی در ارتش جدید سوریه منصوب شدند.

همچنین در حالی که احمد الشرع رهبر گروه در ابتدا گفته بود دولت موقت تنها برای چند ماه است، اکنون صحبت‌های خود را تغییر داده و از تدوین قانون اساسی طی سه سال آینده و انتخابات عمومی در ۴ سال آینده خبر داده است و این زمانیست که این جریان برای تثبیت قدرت خود در سوریه در نظر گرفته است.

تغییر متون برخی از کتب درسی یکی از جدیدترین اقدامات دولت حاکم بر سوریه است که در روزهای اخیر اعتراضات زیادی را برانگیخت. در واکنش به موج انتقاد و اعتراض از جمله در شبکه‌های اجتماعی، وزیر آموزش و پرورش دولت مستقر در دمشق اعلام کرد تنها دستور حذف محتوای تجلیل از رژیم اسد، تغییر پرچم به پرچم انقلاب سوریه و برخی نادرستی‌ها در برنامه درسی معارف اسلامی را داده است. واقعیت اما این است که تغییرات فراتر از آن است. از جمله این تغییرات می‌توان به حذف کامل فصلی درباره‌ی "منشأ و تکامل حیات" اشاره کرد.

اما به‌رغم تلاش‌های ناکنونی "هیأت تحریر شام" برای قبضه قدرت در سوریه، این گروه با مشکلات و موانع عیدهای روبروست که یکی از دلایل آن تاریخ و فرهنگ مردم سوریه و تنوع ملی، قومی و مذهبی در این کشور است. شرایط کنونی جهان، رقابت‌های قدرت‌های امپریالیستی

و منطقه‌ای، وضعیت اقتصادی سوریه و مردم کشور، و بالاخره ویرانی‌های به جا مانده از جنگ که بازسازی آن ۴۰۰ میلیارد دلار هزینه در بردارد، از دیگر عوامل مهمی هستند که در روند تحولات سیاسی سوریه نقش بازی می‌کنند. در یک کلام سوریه با وضعیت فوق‌العاده پیچیده‌ای روبروست.

اگرچه عرب‌های "سنی" بزرگترین گروه جمعیتی در سوریه هستند و گروه‌های شبه‌نظامی حاکم از این گروه "سربازگیری" کرده‌اند، اما گروه‌های جمعیتی بسیار مهم و بزرگ دیگری در سوریه حضور دارند. گروه‌های سوریه بعد از عرب‌های "سنی" دومین گروه جمعیتی هستند که براساس برآورد سازمان ملل ۱۸ درصد جمعیت این کشور را تشکیل می‌دهند. نهادهای کردی حتی برآوردشان بیشتر و جمعیت کرد سوریه را بیش از ۵ میلیون نفر اعلام کرده‌اند. هم اکنون بخش مهمی از سوریه از جمله بسیاری از چاه‌های نفت و زمین‌های مرغوب کشاورزی در منطقه تحت کنترل "نیروهای دموکراتیک سوریه" که بازوی نظامی آن "یگان‌های مدافع خلق" نام دارد و عمدتاً از کردهای سوریه تشکیل می‌شود، قرار دارد. "یگان‌های مدافع خلق" امروز قوی‌ترین نیروی مسلح در خارج از دمشق است. گروه‌های سوریه همچنین در برخی از محلات حلب و دمشق ساکن هستند. ۱۰ درصد جمعیت سوریه پیش از جنگ، مسیحی بودند که در دوران جنگ داخلی بخش قابل توجهی از مسیحیان به خارج از کشور پناهنده شدند. ۱۳ درصد جمعیت سوریه نیز از شیعیان "علوی" هستند که اگرچه خاندان اسد در این گروه از جمعیت سوریه به دلیل علوی بودن نفوذ داشتند اما زحمتکشان و محرومان این بخش از سوریه نیز اعتراضات و اعتصابات را علیه بشار اسد برپا کرده بودند. از دیگر اقوام سوری در روزی‌ها و ترکمان‌ها هستند. روزی‌های سوریه عمدتاً در استان "سویدا" ساکن هستند. آن‌ها کمپته‌ها و نهادهای شهری خاص خود را برای اداره منطقه دارند و در طول جنگ داخلی به رغم اعتراضات متعدد علیه حکومت بشار اسد به‌طور کلی از جنگ داخلی کمتر آسیب دید. وضعیت در آن منطقه به‌گونه‌ایست که دولت حاکم بر دمشق را مجبور ساخت تا یک زن دروزی که از فعالان مدنی سویدا و بدون حجاب است به عنوان استاندار سویدا برگزیند. دولت ترکیه همچنین با تمسک به زبان مشترک، در میان ترکمان‌های سوریه نفوذ دارد و از میان آن‌ها نیروی شبه‌نظامی وابسته به خود را تشکیل داده است.

جدا از تنوع قومی و فرهنگ‌ها و مذاهب متفاوت آن‌ها از جمله در رابطه با حقوق و موقعیت زنان در جامعه، همان‌طور که در بالا آمد شرایط منطقه‌ای و رقابت قدرت‌های امپریالیستی و منطقه‌ای از دیگر عواملیست که وضعیت سوریه را پیچیده کرده است.

شکی نیست که در جریان سرنگونی دولت بشار اسد، دولت ترکیه خود را پیروز میدان محسوب کرد و البته یکی از آن‌ها هست. حمایت نظامی

ترکیه و حمایت مالی قطر نقش تعیین‌کننده‌ای در تقویت نظامی هیأت تحریر شام و قدرت‌گیری آن داشتند اما با ساقط شدن دولت بشار اسد، واقعیت این است که نه تنها نقطه پایانی بر معادلات داخلی سوریه گذاشته نشد، بلکه پیچیدگی‌های تازه‌ای یافت. یکی از آن‌ها مساله کردهای سوریه است که به طور واقعی دولت مستقر در دمشق نقش و جایگاه آن‌ها را کاملاً نادیده گرفته است. دیدار نمایندگان "نیروهای دموکراتیک سوریه" با احمد الشرع (مجد الجولانی) در دمشق هیچ چشم‌انداز روشنی در این رابطه ایجاد نکرد.

از آن سو این نیز یک واقعیت است که از لحاظ نظامی "یگان‌های مدافع خلق" کار بسیار دشواری در صورت تهاجم نظامی ارتش ترکیه خواهند داشت. هم اکنون نیز اگر حمایت عملی ارتش ترکیه به‌ویژه با استفاده از برتری هوایی نبود، شکی نیست که شبه‌نظامیان وابسته به دولت ترکیه جرأت حمله به مناطق تحت‌کنترل "یگان‌های مدافع خلق" را نداشتند.

اما ترکیه برای پیشبرد سیاست‌اش در قبال کردهای سوریه با یک مانع بزرگ روبروست و آن دولت آمریکاست. البته از دولت اسرائیل نیز نباید غافل شد که تقویت موقعیت سیاسی کردها در آینده‌ی سوریه را به نفع خود می‌داند. ۹ دی‌ماه برابر با ۲۹ دسامبر از طریق گذرگاه "الولید" کاروانی متشکل از حدود ۶۰ کامیون حامل تجهیزات نظامی متعلق به دولت آمریکا وارد پایگاه‌های آمریکا در "خراب الجیر" و "تل بیبر" در حومه حسکه از مناطق تحت کنترل "نیروهای دموکراتیک سوریه" شدند. گفته

می‌شود تاکنون ۲۱۰ کامیون تجهیزات نظامی آمریکایی از عراق به سوریه منتقل شده‌اند. همچنین هواپیماهای ترابری نظامی آمریکا نیز در انتقال تجهیزات به پایگاه‌های فوق نقش داشته‌اند. تعداد سربازان آمریکایی در این پایگاه‌ها نیز از ۹۰۰ نفر به ۲۰۰۰ نفر افزایش یافته است. یکی دیگر از تحولات منطقه ایجاد یک پایگاه نظامی آمریکا در مجاورت کوبانی در روزهای اخیر است و نیروهای نظامی آمریکا به همراهی "نیروهای دموکراتیک سوریه" به سرعت در حال تکمیل این پایگاه هستند. کوبانی که در جریان مبارزه با داعش به نماد مقاومت تبدیل شد و اولین شکست داعش را رقم زد، در نزدیکی مرزهای ترکیه قرار داشته و شبه‌نظامیان وابسته به ترکیه در روزهای اخیر در این مناطق نیز با "یگان‌های مدافع خلق" درگیر شده‌اند. دولت آمریکا همچنین به دولت ترکیه و دولت مستقر در دمشق در مورد حمله به مناطق تحت کنترل "نیروهای دموکراتیک سوریه"، به بهانه‌ی تأثیری که می‌تواند در تقویت "داعش" داشته باشد، هشدار داده است. ورود این همه تجهیزات نظامی و سرباز به این مناطق بیانگر این است که سیاست دولت آمریکا بعد از سرنگونی بشار اسد تقویت حضور نظامی خود در سوریه (و به‌طور اخص مناطق تحت‌نفوذ نیروهای دموکراتیک سوریه) است.

سوریه همچنین به کمک مالی دولت‌های ثروتمند عربی چشم دوخته است. طبیعی‌ست که قطر و یا ترکیه به تنهایی قادر به این کار نیستند. از سوی دیگر این نیز موضوع پنهانی نیست که دولت‌های عربستان، امارات و دیگر متحدان‌شان در رقابتی

هذیان گویی دیکتاتور در حال احتضار

عرصه ریخته شد، آن همه پول و ثروتی که از جیب مردم در سوریه - عراق - هزینه شد و تمام تلاش ها و هزینه هایی که صرف در سازماندهی نیروهای مسلح از قماش "فاطمیون"، "حیدریون"، "زینیون"، "حسینیون"، لشکر های "نبویون" و "مالک اشتر" و غیره به عنوان "مدافعان حرم" و یا صرف ترمیم قبر چند مسلمان و "امام" شیعیان شد، همه در یک دم پودر شد.

خامنه ای در سخنان خود گفت؛ برای حاج قاسم، دفاع از عتبات عالیات، زینبیه در سوریه، مرقد های صحابه امیر مؤمنان در شام و عراق و بالاخص مسجد الاقصا اصل مهمی بود.

مهم بود! بله برای سلیمانی و فرمانده او، خامنه ای مهم بود. اما اکنون چه؟ چه باقی ماند از آن همه تلاش و مداخله؟ چه ماند از آن همه تلاشهای پان اسلامیستی و توسعه طلبانه؟ خامنه ای هیچ حرفی برای گفتن در این زمینه ندارد. او که به تضعیف شدید روحیه نیروهای برگشتی از سوریه واقف است، ضمن اشاره سربسته به وقایع سوریه، خطاب به این نیروها که پس از چندین سال، احساس پوچی و بی مصرفی میکنند و تلاشهای خود را هدر رفته می بینند می گوید: "عدهای از روی فقدان فهم و شناخت و تحلیل درست از مسائل، اینگونه تصور و بیان می کنند که با وقوع حوادث اخیر منطقه، خونهای ریخته شده در راه دفاع از حرم، هدر رفته که این تصور و بیان آن، خطا و اشتباهی بزرگ است".

چرا این تصور خطا و اشتباه است میگوید: "اگر مبارزه شجاعانه حاج قاسم و مدافعان حرم نبود امروز خیری از عتاب مقدسه چه زینبیه و چه حتی کربلا و نجف نبود."

خامنه ای در یک سخنرانی کوتاه، چند بار به مخاطبان و هواخواهان خویش یاد آور می شود که ناراحت نباشند که در این راه خونی ریخته شده است. چرا که اگر خونی ریخته شده و کسانی کشته شده اند، در عوض "اعتاب زینبیه و کربلا و نجف" باقی مانده اند. حرفها چنان پیش پا افتاده و غیر زمینی می نماید که اگر آن منافع زمینی و امتیازات گوناگون و پولهای هنگفتی که هزینه اینها شده در نظر گرفته نشود، شاید این شبهه را ایجاد می کرد که این جمعیت چند هزار نفره نیز گویا عین خامنه ای هیچ انگیزه دیگری جز همان "تحقق اسلام و قرآن" نداشته اند.

میگوید: "در سامرا غفلت شد، گنبد و ضریح امامان عسگریین را ویران کردند، اگر این خون ها نبود سایر عتبات مقدسه و قبله های مسلمانان به همان سرنوشت اندوهبار دچار می شد."

در دستگاه فکری رهبر حکومت اسلامی مهم نیست چه هزینه های هنگفتی از جیب مردم ایران صرف این مقابر و گنبد و ضریح و سایر متعلقات آن شده، چه خون هایی در این زمینه ریخته شده، چه بلاهایی از قبل این سیاست بر سر مردم آمده است، مهم این است که "مدافعان حرم" رفتند سوریه و عراق از حرم دفاع کرده اند و مقبره و ضریح و گنبد فلان کس برای مسلمانان شیعه از نوع خامنه ای باقی مانده است.

در صفحه ۴

گرچه با نفسهای بیحال و بی رمق، عجلتاً باید در شبیور دمیده شوند. فعلاً باید این باشد، بعد از او گو هرچه می خواهد باشد "دنیا پس مرگ ما چه دریا، چه سراب"!

خامنه ای در دیداری که روز چهارشنبه ۱۲ دی با خانواده "شهیدان مدافع حرم و شهیدان مقاومت" داشت بار دیگر به تعریف و تمجید از قاسم سلیمانی پرداخت که در پرتو تلاش های وی و حمایت های همه جانبه جمهوری اسلامی، به سازماندهی و تسلیح نیروهای اسلام گرا در منطقه پرداخت، که بعداً "جبهه مقاومت" و "مدافعان حرم" نام گرفتند. وی گفت مکتب سلیمانی "تحقق قرآن و اسلام بود" و همه باید از وی درس بگیرند و در این مسیر حرکت کنند. خامنه ای از "نقش راهبردی" قاسم سلیمانی در بسیج و سازماندهی و تسلیح این نیروها در منطقه سخن گفت که در چهارچوب اهداف و سیاستهای آن یا در واقع به نیابت از رژیم و در چهارچوب سیاستهای آن یا به عبارتی تحقق همان "اسلام و قرآن" - بخوان پان اسلامیم شیعی- فعالیت می کردند و گویا فراموش کرده بود که چند روز قبل از آن، به کلی منکر نیروهای نیابتی شده بود.

از آنجا که تکلیف نیروهای "مقاومت" پیش از این روشن شده و سرنوشت تیره و تار حماس و جهاد اسلامی و حزب الله و غیره عجلتاً یکسره شده و ماجرا حتی به حشدالشعبی عراق نیز تسری یافته است و خامنه ای به کرات در مورد این نیروها و اینکه "مقاومت" پیروز است و چه و چه، صحبت کرده بود و خلاصه نکته ای نگفته ای در این مورد باقی نمانده بود و همه گان دانسته بودند که دست جمهوری اسلامی در این زمینه ها به کلی کوتاه و بعضاً قطع شده است، در این سخنرانی روی آن مکتب چندانی نکرد. حرف های او بیشتر حول آخرین صحنه نمایش واقعی شکست رژیم در سوریه و نیروی آن تحت عنوان "مدافعان حرم" بود.

همه گان می دانند که با برکناری بشار اسد، ضربه بسیار سنگینی بر جمهوری اسلامی وارد شد. نخستین تأثیر مستقیم و بیواسط آن برچیده شدن بساط نیروهای مسلح وابسته به رژیم از سوریه بود. حضور و موجودیت چند ده ساله هزاران نیروی مسلح و نظامی و شبه نظامی وابسته به جمهوری اسلامی، در چشم به هم زدنی از موضوعیت افتاد. نیروهای وابسته به جمهوری اسلامی، مات و مبهوت و حیرت زده به حال خود رها شدند. حد اقل ۴ هزار نفر فقط توسط روسیه به ایران منتقل شدند. "مدافعان حرم" زاری کنان "زینبیه" را رها و ترک کردند. چند دهه تلاش و سرمایه گذاریهای گوناگون، در ظرف چند روز دود شد و به هوارفت. چندین هزار نیروی مسلح و غیر مسلح وابسته به رژیم در خلأ رها شد. منافع روزمره و اقتصادی از یکسو، وعده ها و باغ ها و کاخهای بهشت آسای شیر و عسل از سوی دیگر، یکجا زیر سؤال رفت. آن همه خون هایی که در این

کرده است، نیروهای موسوم به "مدافعان حرم" نیز که سر نخ اصلی سازماندهی و بسیج و تأمین مالی و تسلیحاتی آن ها نیز در دست قاسم سلیمانی و سپاه قدس بوده است، به کلی خود را باخته و دلیل موجودیت آن ها نیز بخشاً از بین رفته است. خامنه ای سالیهای متمادی با صرف هزاران میلیارد از جیب مردم، افسار این نیروها را در دست گرفته و مدعی بود پرچم اسلام شیعی رادر تمام منطقه خاورمیانه برافراشته و باد در غیغب می انداخت که این پرچم را در سایر نقاط جهان نیز برخواهد افراشت. همه ی این اقدامات را نشانه قدرت و اقتدار جمهوری اسلامی قلمداد می کرد که البته قرار بود این اقتدار، با شلیک چند صد موشک به طرف اسرائیل که اغلب در آسمان خنثی و ناکار شد، واقعی جلوه کند. وقتی که بساط این تلاش های پان اسلامیستی چند ده ساله در ظرف مدت کوتاهی در هم پیچیده شد، به ویژه وقتی که بساط حکومت رژیم بعثی بشار اسد در ظرف فقط ۱۰ روز جارو شد، تمام باد و بُروت خامنه ای نیز خالی شد. حباب ترکید و همه گان پوشالی بودن اقتدار حکومت اسلامی و رهبر آن را به چشم دیدند.

خامنه ای شاید اگر اندکی جرئت و جربرزه آن مرتجع و جلاذ بزرگ، خمینی را می داشت، باید جام زهر را تا ته سر می کشید. اما خامنه ای خمینی نیست. شرایط و موقعیت جمهوری اسلامی نیز همان شرایط و موقعیت در دوره خمینی نیست. از همه این ها مهمتر، موقعیت توده های مردم و نگاهشان نسبت به اوضاع نیز همان موقعیت و نگاه دوره خمینی نیست. خمینی می توانست با نوشیدن جام زهر، موقتاً نظام را نجات دهد. خامنه ای اما اگر چنین جامی را سرکشد، یکسره فاتحه نظام را خوانده است.

چنین است که به رغم آنکه توده های مردم، فاتحه نظام را خوانده اند، و اما از "نرمش قهرمانانه" پا فراتر نگذاشته و نخواهد گذاشت. گرچه او خود نیز از اینکه فاتحه نظام خوانده شده است و دیری نخواهد پایید تا بساطش برچیده شود، بی اطلاع نیست، اما نمی تواند در این زمینه سخنی بر زبان راند و با زبان خویش، از خود و نظامش چنین چهره ای نمایانده شود. فرا تر رفتن از نرمش قهرمانانه و نوشیدن جام زهر، یعنی پایان سریع و قطعی کار نظام. درست بر عکس، او باید تا واپسین دم حیات، با دروغ و تحمیق مذهبی و توهمات چهل و چند ساله ولو در میان معدود جانبداران نظام، نه از شکست بلکه مدام از پیروزی سخن بگوید تا سرجای خویش استوار بماند. تا می تواند باید از فروپاشی قطعی نیروهایی که یا از روی جهل و ناآگاهی و فریب، یا از زاویه منافع معینی که داشتند یا در این راه نهادند و حتی کشته دادند جلوگیری کند. نیروهای "مقاومت" باشند یا "مدافعان حرم" یا هر نام دیگری که داشته باشند، نباید مأیوس شوند و به کلی از نظام بیژند. خیالبافی ها و امیال و ایده های پان اسلامیستی،

زنده باد استقلال طبقاتی کارگران

هذیان گویی دیکتاتور در حال احتضار

به کمک بشار اسد شتافت و انقلاب مردم سوریه را به خون کشید. اینکه در سوریه نظامی حاکم باشد یا حاکم شود که توده مردم این کشور خواهان آن نباشند، اینکه اگر اسلام گرایان تازه به قدرت رسیده در قلاب بندی با دولت های ارتجاعی و تجاوز گری چون ترکیه و آمریکا و دیگران بخواهد حکومتی برقرار و آن را تحکیم کند و حق و حقوق زنان و کارگران و دیگر اقشار زحمتکش جامعه را زیر بگیرد و بخواهد با ظلم و ستم و استثمار بر مردم سوریه حکمروایی کند، تردیدی در این مسئله وجود ندارد که کارگران، زنان، زحمتکشان و روشنفکران انقلابی سوریه نیز علیه چنین حکومتی و علیه حامیان آن، به پا خواهند خاست. و این البته هیچ ربطی به "تحقق اسلام و قرآن" و حرفهای به کلی بی ارزش خامنه ای ندارد.

در فلسطین و غزه نیز اوضاع بر همین منوال است. مردم ستم کشیده فلسطین در غزه به دست جلاذ بزرگ و بیرحمی بنام نتانیاہوی فاشیست از قماش خمینی و خامنه ای، کشتار شده و دارند کشتار می شوند. اما این مردم در برابر این فجایع برای همیشه سکوت نخواهند کرد. اینگونه نیست که در برابر وضعیت تحمیلی کنونی، همیشه ناتوان باشند و ناتوان بمانند. ذره ای شک و تردید وجود ندارد که مردم فلسطین، جوانان فلسطینی با درس آموزی از تجارب سالهای اخیر، نبرد جدیدی را علیه زور و تبعیض و ستم و اشغال، علیه دولت صهیونیست و نژاد پرست اسرائیل و تعیین سرنوش خویش آغاز خواهند کرد. هر جا ظلم باشد، هر جا ستم و استثمار باشد، آنجا مقاومت و مبارزه هم هست و این حکم تاریخ است و ایضاً هیچ ربطی به "اسلام و قرآن" خامنه ای ندارد. اسلام و قرآن خامنه ای تا آنجا که توانست ضربات هولناکی بر مردم فلسطین و جنبش آزادیبخش فلسطین و همچنین بر مردم سوریه و لبنان وارد ساخت. مردم سوریه و مردم مبارز فلسطین و هر مکان دیگری که جمهوری اسلامی برای پیشبرد اهداف و سیاستهای پان اسلامیستی و توسعه طلبانه خود به مداخله جویی پرداخت و آن مردم را به ابزار پیشبرد اهداف ارتجاعی خود تبدیل کرد، جز کشتار و تباہی و عقب ماندگی، ثمر دیگری نصیبشان نشد.

ممکن است خامنه ای از شکستها و نا کامی های درسی نگرفته باشد، ممکن است او شکست را عین پیروز قلمداد کند و درست در آخرین روزهای حکومت اسلامی در حال احتضار، بر این خیال باشد یا دل خود و هواخواهان خویش را به آن خوش کند که "جمهوری اسلامی بعد از ۴۶ سال همچنان زنده است!!" اما با این خواب و خیال ها و پریشان گویی ها مشکل بتواند حتی اطرافیان خود را قانع و راضی کند چه رسد به توده مردمی که برای همیشه از اسلام و حکومت اسلامی عبور کرده اند. تابوت، درست به قد و قواره جمهوری اسلامی ساخته شده و تا حمل جنازه در این تابوت چیزی نمانده است.

البته زیاد هم نباید بر خامنه ای سخت گرفت. او به سختی گیج و پریشان احوال است و از یک دیکتاتور در حال احتضار جز هذیان گویی انتظار دیگری نیست!

وی به معدود هواخواهان خویش و خانواده هایی که در این تلاش های پان اسلامیستی، خون فرزندان شان ریخته شده است، مدام اطمینان می دهد که "خونشان هدر نرفته!" چرا هدر نرفته؟ چون " در نزد پروردگار با ارزش است!"

خامنه ای با حواله دادن هزاران انسانی که لا اقل بخشهایی از آن ها امروز احساس پوچی و بیهودگی و بخشاً احساس پشیمانی می کنند به پروردگار و اینکه "عتبات عالیات" و ضریح و گنبد و بارگاه چند مسلمان شیعه باقی مانده اند، بر این خیال باطل است که کل ماجرای ریزش نیرو را حل کرده است. وی در همان حال که به سوراخ موش خزیده است و در عین حال این را نیز متوجه شده است که تمام آن اندک آبرو و اعتباری که در سی و چند سال گذشته برای خود دست و پا کرده بود به کلی فرو ریخته است، برای روحیه دادن به معدود هواخواهان باقی مانده خود و جلوگیری از ریزش بیشتر، پیوسته از پیروزی سخن می گوید.

خامنه ای نمی گوید بر سر ده ها میلیارد دلاری که به قیمت تحمیل فقر و بد بختی بر مردم ایران به بشار اسد اعطا شد چه آمد؟ نمی گوید در حالیکه میلیون ها تن در کشور فاقد مسکن مناسب هستند و به نان شب محتاج اند، چه پول ها و مبالغ هنگفتی صرف ضریح و گنبد و مقبره فلان مسلمان شیعه در سوریه و عراق نموده و یا صرف گروه های اسلام گرای وابسته از نمونه حماس و جهاد اسلامی و حشد الشعبی و حزب الله و یا نمونه های دیگری چون فاطمیون و زینبیون و غیره کرده است، چند صد کیلو طلا و نقره را صرف این اماکن نموده است، نمی گوید چه آمد بر سر مردم ایران و بر سر این کشور پر درآمد! اما خوشحال است از اینکه قبر زینب و کی و کی برجای مانده است! بیگانگی با خواستها، نیازها و مشکلات توده مردم را حد و مرزی نیست.

صرف نظر از اینکه این افراد از جمله زینب دختر علی و فاطمه چه جایگاه و شخصیتی داشته اند، جالب این است که گاه حتی در اصل ماجرای "زینبیه" به عنوان محل دفن وی نیز شک و تردید های جدی وجود داشته و دارد. برای مثال در همان حال که گفته شده زینب در جنوب دمشق در سوریه دفن شده است، در عین حال از دوحل دفن دیگر وی، یکی در مصر اطراف قاهره و یکی هم در قبرستان بقیع در مدینه نام برده شده است!

خامنه ای در پایان سخنان خود البته برای خالی نبودن عریضه و دلداری هواخواهان خویش می گوید: سوریه متعلق به مردم سوریه است و متعرضان به خاک سوریه روزی در برابر قدرت جوانان مجبور به عقب نشینی خواهند شد و پایگاه های آمریکا نیز زیر لگد جوان ها پامال خواهد شد!

خامنه ای البته میدانند که با این حرفها حتی یک آجر هم جابجا نمی شود. البته که مردم سوریه در قبال ظلم و ستم سکوت نخواهند کرد. چنانکه چند سال پیش برای سرنگونی بشار اسد و دگرگونی جامعه دست به انقلاب زدند. خامنه ای فراموش می کند بگوید این او و جمهوری اسلامی بود که

چشم انداز روند تحولات سیاسی در سوریه

پنهان و آشکار با ترکیه و قطر هستند. سیاست متفاوت ترکیه و قطر در قبال "حماس" تنها یکی از نقاط افتراق این دو گروه از دولت های رقیب منطقه ای است. تحریم قطر در سال های گذشته توسط دیگر دولت های شورای همکاری خلیج فارس هنوز از یادها نرفته است. بنابراین یکی دیگر از عرصه های رقابت در سوریه، رقابت دولت های منطقه ای است. سفر وزیر خارجه دولت حاکم بر دمشق به عربستان به عنوان اولین سفر خارجی وزیر خارجه دولت فوق، بیانگر اهمیت عربستان برای دولت احمد الشرع در جلب سرمایه گذاری است. البته بدون تردید عربستان در صورت سرمایه گذاری در سوریه، خواستار نقش سیاسی نیز خواهد بود. اتحادیه اروپا نیز در این میان اگرچه از کمترین موقعیت سیاسی برای اعمال نفوذ در سوریه برخوردار است، اما سیاست اتحادیه اروپا به طور کلی چیزی شبیه به سیاست دولت آمریکا می باشد. عملیات هوایی فرانسه در سوریه که هدف آن داعش اعلام شده است، در واقع بیش از هر چیز یک مانور سیاسی برای اعلام حضور بود. دولت های اروپایی مخالف انحصار قدرت در دست شبه نظامیان تحت سلطه ترکیه در سوریه هستند. برای دولت اسرائیل هم آینده سوریه بسیار مهم است و برای همین خواستار روی کار آمدن یک دولت دینی متأثر از فرهنگ "جهادی" در مرزهای خود نیست.

اما برای مردم سوریه مهمترین موضوع این است که نباید سرنوشت خود را به دست گروه های شبه نظامی اسلامی و دولت های امپریالیستی و منطقه ای بسپارند. مردم سوریه برای رسیدن به آزادی در شرایط بسیار حساس و مهمی قرار دارند. آن ها نباید گول وعده ها را بخورند و بار دیگر شاهد سربرآوردن یک دیکتاتور دیگر آن هم با وضع قوانین قرون وسطایی اسلامی شوند. آن ها باید از سرنوشت خود در این سال ها، از سرنوشت مردم منطقه همچون ایران، افغانستان و عراق درس بگیرند و نگذارند تاریخ برای آن ها تکرار شود. تنها این مردم سوریه هستند که می توانند و این حق را دارند که در مورد آینده کشورشان تصمیم بگیرند و بی شک این مردم خواستار جنگ نیستند. این مردم خواستار صلح، عدالت و آزادی هستند.



زنان خاورمیانه، پیشگامان مبارزه با ارتجاع اسلامی!



نتایج، رشد و گسترش نیروها، دستجات و گروه‌های ارتجاعی و زن سنیز در کشورهای افغانستان، عراق، سوریه، لبنان و یمن بود. گروه‌هایی که هر چه قدرتمندتر شدند، با نقض ابتدائی ترین حقوق زنان، تجاوز و کشتار و چپاول و آدمکشی، عرصه را بر زندگی دهها میلیون زن در خاورمیانه تنگتر و تنگتر کردند.

از همین رو مبارزات زنان خاورمیانه نیرو و حلقه مهمی در مبارزه علیه نیروهای مرتجع و اسلامگرا در منطقه است. مبارزاتی الهامبخش که به تقویت و گسترش جنبش‌های زنان در منطقه نیز خواهد انجامید. مبارزات و مقاومت زنان در ایران طی دهه‌های گذشته یک نمونه آن است که طی آن هم عملکرد زن ستیزانه و جنایتکارانه یک حکومت ارتجاعی دینی را در معرض دید جهانیان قرار داده و هم مقاومت و مبارزه زنان علیه آن را. زنان ایران نیز متقابلاً از مطالبات و تجارب مبارزاتی زنان در سایر مناطق خاورمیانه بی تأثیر نبوده‌اند. شعار «زن، زندگی، آزادی» که سال ۱۴۰۱ در سراسر ایران طنین افکن شد، شعاری بود که زنان کرد بیشتر از آن و در «روژاوا» فریاد زده بودند. زنان کرد سوریه این شعار سه وجهی را بعنوان الگوتائیدی مترقی در مقابل «پدرسالاری، سرکوب و استبداد» قرار داده و مطرح کردند. این شعار گرچه آن زمان در مناطق کردنشین سوریه محدود ماند و به شعاری سراسری در سوریه تبدیل نشد اما در ایران به پاس مبارزات سراسری، شجاعانه، جسورانه و وسیع زنان از کردستان تا تهران و بلوچستان، هم به یک شعار سراسری تبدیل شد و هم در سطح جهانی شناخته شد. زنان ایرانی با به آتش کشیدن حجاب اجباری در عمل نشان دادند که ناجی، خود آنها هستند و تکلیف‌شان را با همه گروه‌های اسلام‌گرا - هم اصلاح طلب و هم اصول‌گرا - یکسره کردند.

تجارب منطقه‌ای حاکی از آن است که پیروزی پایدار مبارزات زنان در خاورمیانه علیه حکومت‌هایی چون جمهوری اسلامی، طالبان و دستجات مرتجعی چون داعش، القاعده، «تحریرالشام»، حزب الله و حماس در گرو پیوند و همگامی با کارگران و نیروها و اقشار مترقی، پیشرو و توده‌های زحمتکش علیه ارتجاع، تبعیض و نابرابری است.

وسیع زنان نقش موثری داشته است. «منال السخوی» روزنامه نگار زنی که سالها با اسم مستعار مقالات خود را منتشر می‌کرد، در گفتگو با «نیو انترناسیونالیست» تبعات حکمرانی «تحریرالشام» در آذرب بر زندگی زنان را چنین توصیف می‌کند: «تحریرالشام» از سال ۲۰۱۵ بر شهر ادلب، زادگاه من، حکمرانی کرده است. زنان در اینجا سال‌هاست که قوانینی مانند قوانین پوشش اجباری اسلامی شامل روسری برای پوشاندن مو و مانتوهای بلند و محدودیت‌هایی برای مورد تردد آزادانه زنان را تجربه کرده و در بسیاری از موارد در برابر این شیوه‌های ارتجاعی مقاومت کرده‌اند. اما حالا سران این جریان ادعا می‌کنند که می‌خواهند سیاست معتدل‌تری را در پیش گیرند. ما زنان نباید به این چرخش سیاسی اعتماد کنیم.»

علاوه بر نیروها و سازمانهای سکولار و فمینیست در سوریه، سازمان‌های زنان کرد در «روژاوا» که از سال ۲۰۱۱ تا کنون در مبارزه علیه نیروهای ارتجاعی و همچنین در خودگردانی منطقه‌ای، مشارکت فعال داشتند، با برخورداری از تشکل، انسجام و تجربه عملی فعالانه به میدان مبارزه سراسری آمده‌اند. آنها در بیانیها و تجمعات خود، خواهان اتحاد بین زنان در سراسر سوریه علیه دشمن مشترک شده‌اند و گفته‌اند: اتحاد و پیوند صفوف مبارزاتی زنان در سوریه می‌تواند توازن قوا را به نفع نیروهای ترقیخواه برهم زند!

با وجود تداوم و گسترش این مبارزات، حملات و تعرضات گروه‌های به قدرت رسیده به حقوق و آزادیهای سیاسی و اجتماعی و فردی زنان به اشکال مختلف در جریان است. یکی از این تعرضات، تعطیل رسانه‌های مستقل زنان است که برنامه های آنها در تلویزیون «ژن» در سلیمانیه پخش می شده است. سه سازمان و رسانه زنان که بطور رسمی ثبت شده بودند، سالها در این زمین فعالیت می کردند. در اعتراض به این امر، روزنامه نگاران زن، سازمانهای زنان و نهادهای مدافع آزادی بیان و مطبوعات سوریه اعتراضاتی در مناطق کردنشین برگزار کرده‌اند. از سوی دیگر اظهارات زن ستیزانه و ارتجاعی نمایندگان و سخنگویان «تحریرالشام» خشم و اعتراض بیشتر زنان و نیروهای مترقی حامی حقوق زنان را به همراه داشته است. سخنگوی دولت انتقالی سوریه گفته بود: «طبیعت زیستی و فیزیولوژیکی زنان آنها را برای برخی مشاغل دولتی ناتوان می‌سازد.»

زنان در سوریه خوبی می‌دانند این جریانات مرتجع به محض قدرت‌گیری به قلع و قمع حقوق و آزادیهای زنان اقدام می‌کنند. تجربه بیش از چهار دهه حکومت جمهوری اسلامی، درس‌های فراوانی برای زنان سکولار، مترقی و پیشرو خاورمیانه در بر داشته است. قدرت‌گیری جمهوری اسلامی در سال ۵۷ و حاکمیت یک دولت دینی، نه تنها در ایران بلکه در سایر کشورهای همسایه و منطقه نتایج و پیامدهای مستقیم و غیر مستقیمی بدنبال داشت. یکی از این

تظاهرات‌های توده‌ای و حمل و فریاد شعارهایی از جمله «آزادی زن، آزادی جامعه»، «ما دمکراسی می‌خواهیم، نه یک دولت دینی» و «ژن، ژیان، آزادی»، صحنه‌هایی را آفریدند که در جریان تظاهرات‌های زنان کشور علیه حجاب اجباری در اسفند ۵۷ و در جریان جنبش «زن، زندگی، آزادی» ۱۴۰۱ شهرها و خیابان‌های ایران را به لرزه در آورده بود.

در سوریه نیز همچون ایران، زنان جزو اولین افشاری بودند که در واکنش به قدرت‌گیری مرتجعین دگرذیبی‌یافته «تحریرالشام» به اعتراض برخاستند. در جریان ۱۱ روزی که سقوط حکومت بشار اسد رقم خورد، زنان با ابتکارات متعدد و متنوع، حضور و مشارکت سیاسی خود را به نمایش گذارند. طی هفته‌های اخیر و پس از سقوط حکومت دیکتاتوری بشار اسد، تجمعات و تظاهرات‌های وسیع و توده‌ای



زنان در شهرهای دمشق، ادلب، حمص، حسکه و بسیاری از مناطق کردنشین مقدم بر هر چیز نشان از حضور فعال تشکل‌ها و سازمان‌های زنان در این کشور است که در لحظه مهم تاریخی برای حقوق و مطالبات خود بپاخته‌اند. یکی دیگر از عوامل مهم مشارکت توده‌های وسیع زنان در سوریه، حضور زنان زحمتکشی است که بواسطه وضعیت اسفبار اقتصادی‌شان به این صفوف ملحق شده‌اند. سالها جنگ و کشتار و سرکوب، به مرگ بسیاری از مردان (جوان) این کشور منجر شده و بار فلاکت اقتصادی ناشی از آن، بر دوش زنان افتاده است. طی سال‌های اخیر شمار زنان سرپرست خانواده در سوریه روز به روز افزایش یافته و به فقر (بیشتر) در میان زنان دامن زده است. طبق گزارش سال ۲۰۲۳ سازمان ملل، ۹ درصد از زنان سرپرست خانواده در کمپ‌های آوارگان در سراسر سوریه، قادر به تأمین نیازهای اولیه خود از قبیل غذا، آب و سرپناه نیستند. ۷۴ درصد از ۹ / ۵ میلیون نفری که به کمک‌های غذایی فوری نیازمندند، زنان و دختران هستند. حملات سیستماتیک به تأسیسات بهداشتی، دسترسی زنان به خدمات بهداشت باروری را به شدت تحت تأثیر قرار داده است. سازمان ملل در همین گزارش افزوده است که حداقل ۷ میلیون نفر - عمدتاً زنان و دختران - نیازمند برخورداری از خدمات بهداشتی و درمانی‌اند.

تجربه حکمرانی «تحریرالشام» در شهر ادلب و محدودیت‌هایی که این گروه ارتجاعی بر زنان تحمیل کرده بود نیز در به خیابان آمدن توده‌های

ستم و تبعیض بر پایه

جنسیت ملغا باید گردد

ورشکستگی جمهوری اسلامی فرصتی برای گسترش مبارزات

البته، بیش از اظهار نظر مستقیم پزشک‌های، عبدالناصر همتی - وزیر اقتصاد - نیز به نقل از او در شبکه ایکس نوشته بود که خامنه‌ای «با طرح مجدد لوایح پالرمو و سی اف تی» موافقت کرده است. با این همه موضوع فوق زمانی بازتاب رسانه‌ای یافت که خبرگزاری دولتی ایرنا به نقل از مسعود پزشک‌های از موافقت خامنه‌ای برای بررسی مجدد این لایحه خبر داد. این خبرگزاری روز سه‌شنبه ۱۱ دیماه جاری با تاکید پزشک‌های بر همکاری‌های مشترک قوای سه‌گانه، جهت «سهولت در فعالیت‌های اقتصادی» نوشت: حل مشکلات کشور تنها به عهده دولت نیست و رؤسای قوا نیز با همکاری و همدلی، تمام تلاش خود را برای رفع موانع موجود به کار گرفته‌اند.

اینکه چرا مسعود پزشک‌های به نیابت از خامنه‌ای در این بازه زمانی به فکر احیای لایحه «اف ای تی اف» و به طریق اولی به فکر ضرورت تصویب آن در مجمع تشخیص مصلحت نظام افتاده است، حاکی از عمق ورشکستگی اقتصادی رژیم و شرایط فوق بحرانی حاکم بر جمهوری اسلامی است. شرایطی که گذر زمان را برای هیئت حاکمه بسیار دشوار کرده و از این رو پزشک‌های را بر آن داشته تا با طرح و تصویب احتمالی این لایحه، مفری هرچند کوچک برای خود و جمهوری اسلامی در عبور از این ورشکستگی اقتصادی پیدا کند. با اینهمه و به رغم توهمات خیالپردازانه پزشک‌های در برون رفت از شرایط وخامت‌باری که خود و نظام در آن دست و پا می‌زنند، موضوع تصویب احتمالی این لایحه در نهاد حکومتی مجمع تشخیص مصلحت نظام یک چیز است و تأثیر آن بر اقتصاد فروپاشیده جمهوری اسلامی چیزی دیگر.

با نگاهی اجمالی به وضعیت نابسامان و ورشکستگی اقتصادی حاکمیت، هم اینک، اوضاع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی جمهوری اسلامی خرابتر از آن است که هیئت حاکمه بخواهد یا بتواند با پیوستن به این یا آن قرارداد بین‌المللی از سرنوشت مرگباری که در انتظار آن است، نجات یابد. شرایط وخامت‌بار ارتجاع حاکم، شکست‌های پیاپی آن در عرصه داخلی و خارجی، خالی بودن خزانه دولت، افزایش غیر قابل کنترل دلار، هرچه کوچکتر شدن سفره مردم، گسترش جنبش‌های سیاسی - اجتماعی، شتاب گرفتن اعتصابات کارگری، رشد مبارزات دلاورانه زنان برای برخورداری از حق پوشش اختیاری، بروز هیجانات عمومی برای ورود به اعتراضات خیابانی و

موضوعات دیگری از این دست، تنها بخشی از تنگناهای نظام در اوضاع کنونی‌اند، که راه برون رفت از شرایط اسفبار موجود را به روی حاکمیت بسته است.

با این همه و به رغم امیدواری‌های کاذبی که پزشک‌های سعی دارد، با تصویب لوایح «پالرمو» و «سی اف تی» در مجمع تشخیص مصلحت نظام، گشایشی هرچند ضعیف و نامحتمل در اقتصاد بحران زده کشور ایجاد کند، اما بی اثر بودن این اقدام، خاصه در شرایط کنونی، آنچنان آشکار است که حتی تعدادی از مسئولان و دست‌اندرکاران اقتصادی نظام نیز بر عدم کارایی تصویب آن در مسیر پیوستن جمهوری اسلامی به «اف ای تی اف» جهت رهایی از بحران ورشکستگی اقتصادی اعتراف کرده‌اند.

برای نمونه، ناصر همتی - وزیر اقتصاد - که خود از حامیان پیوستن جمهوری اسلامی به گروه ویژه اقدام مالی است، روز ۱۸ آذر در تلویزیون ایران گفته بود: «حتی اگر سی اف تی و پالرمو را هم بپذیریم، معلوم نیست از فهرست سیاه «اف ای تی اف» خارج شویم؛ اما این کار [دست کم] بهانه‌های دشمن را کاهش می‌دهد.»

صادق لاریجانی، رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام نیز، روز چهارشنبه ۲۱ آذر در باره پیوستن جمهوری اسلامی به «اف ای تی اف» با اعتراف به عدم کارایی آن در این بازه زمانی گفته بود: «پیوستن به گروه ویژه اقدام مالی یک بحث فنی است. اگر به مجمع بیاید، بررسی می‌کنیم. اما باید مشخص شود با پذیرفتن آن چقدر فایده می‌بریم... در شرایط تحریم که برای تاجران ایرانی مشکلات متعددی از جمله در نقل و انتقال ارز پدید آورده، آیا با پذیرفتن «اف ای تی اف»، آمریکا محدودیت‌های خود را بر می‌دارد؟»

با اینهمه، موضوع پیوستن به گروه ویژه اقدام مالی، تنها موضوع مطرح این روزهای کابینه پزشک‌های نیست که به سر تیتر روزنامه‌های داخلی تبدیل شده‌اند. در کنار این موضوع، موضوعاتی نظیر مذاکره مستقیم با آمریکا و هم چنین مذاکره با تروئیکای اروپا بر سر پرونده هسته‌های ایران نیز از جمله مسائلی هستند که اکنون هم در کابینه پزشک‌های و هم در روزنامه‌های موافق و مخالف سیاست‌گذاری‌های کابینه فعلی به صورت روزانه بازتاب داده می‌شوند.

کاظم غریب‌آبادی - معاون وزیر خارجه - روز چهارشنبه ۱۲ دیماه با تأیید این خبر که روز یکشنبه ۲۴ دیماه (۱۳ ژانویه) به عنوان دور جدید گفتگوهای ایران و

تروئیکای اروپا - شامل آلمان و فرانسه و انگلیس - تعیین شده است، در مورد محتوای این گفتگوها گفت: «ما الان به دنبال پیش‌بینی نیستیم. همانطور که قبلاً هم گفتیم آنچه در جریان است گفتگوست و مذاکره نیست.»

در کنار اظهار نظر معاون وزیر خارجه جمهوری اسلامی، علی عبدالعلی زاده، نماینده ویژه پزشک‌های در توسعه اقتصاد دریامحور هم روز سه‌شنبه ۱۱ دی ماه جاری ضمن تأکید بر ضرورت دستیابی به یک «سیاست خارجی جدید» گفت: باید با ترامپ مذاکره کنیم. نمی‌شود که مسائل کشور را معلق نگه داشت؛ ضمن اینکه مجموع حاکمیت نظام هم به مذاکره رودررو [با آمریکا] رسیده است.

طرح همه این موضوعات - آنهم در این بازه زمانی - خبر از اوضاع وخامت‌بار جمهوری اسلامی می‌دهد که ارتجاع حاکم را در سختی گذر از این وضعیت به وحشت انداخته است. وضعیتی کاملاً بحرانی که دستکم مسعود پزشک‌های و بخشی از حاکمیت را بر آن داشته تا قدم‌هایی - هرچند کوچک - در مسیر تغییر سیاست خارجی نظام بردارند. اینکه پیشبرد این سیاست تبلیغاتی پزشک‌های تا چه حد با محتوای ایدئولوژیک و سیاست توسعه طلبانه جمهوری اسلامی سازگاری دارد، اینکه با بودن خامنه‌ای و استمرار قدرت بلامنزاع او در تعیین سیاست‌های کلان نظام در عرصه داخلی و بین‌المللی پیشبرد این سیاست کابینه پزشک‌های قابل تحقق است یا نه؟ امریست اگر نگوییم نامحتمل، دست کم با استناد به همین سخنرانی‌های اخیر خامنه‌ای بعد از سقوط بشار اسد می‌توان گفت احتمال آن ضعیف است. چرا که خامنه‌ای با موضع‌گیری‌های تند و تیز تاکتونی خود، بدور از شکست‌های پیاپی حاکمیت در عرصه داخلی و بین‌المللی و بی توجه به اقتضاحاتی که در عرصه سیاست خارجی به بار آورده است، همچنان بر تقویت و سازماندهی گروه‌های ارتجاعی و اسلام‌گرای «محور مقاومت» تأکید دارد. لذا با وجود تأکیدات خامنه‌ای در پیشبرد همان سیاست شکست خورده و راهبردی نظام در منطقه، خیالبافی‌های امیدوارانه مسعود پزشک‌های در تصویب لوایح دوگانه «پالرمو» و «سی اف تی» جهت پیوستن به گروه ویژه اقدام مالی امریست بی فایده که کمترین کمکی به نظام در برون رفت از ورشکستگی اقتصادی آن نخواهد کرد. چرا و به چه علت؟

پوشیده نیست، هدف کشور‌های تشکیل دهنده

ورشکستگی جمهوری اسلامی فرصتی برای گسترش مبارزات

گروه ویژه اقدام مالی (FATF)، که بسیاری از کشورهای جهان نظیر آمریکا، اتحادیه اروپا، کانادا، انگلیس، هند، برزیل و حتی چین از اعضای فعلی آن هستند، مبارزه با پولشویی، مبارزه با تأمین مالی گروه‌های تروریست و گزارش دهی در مورد معاملات مشکوک در سطح داخلی و بین‌المللی، بخشی از فعالیت‌های اقتصادی این نهاد مالی است. موضوعاتی که با ذات جمهوری اسلامی در تعارض است و هیئت حاکمه ایران در تمامی این سال‌های سپری شده با استفاده از اقدامات پولشویی برای تأمین مالی گروه‌های اسلام‌گرای وابسته به خود در منطقه و جهان از آن بهره‌برداری کرده و به همین دلیل هم از پیوستن به گروه ویژه اقدام مالی سر باز زده است.

آنچه اکنون کابینه پزشکیان و بخشی از حاکمیت را به پیوستن به این گروه ترغیب کرده است، همانا ورشکستگی اقتصادی و نیازمندی جمهوری اسلامی به لغو تحریم‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری‌های کلان خارجی در کشور است. موضوعی که تحقق آن با بودن جمهوری اسلامی در لیست سیاه گروه ویژه اقدام مالی امری ناممکن است. و چنانچه پزشکیان موفق به تصویب لوایح «پالرمو» و «سی اف تی» در مجمع تشخیص مصلحت نظام هم گردد، آنچنان که ناصر همتی - وزیر اقتصاد - گفته، معلوم نیست جمهوری اسلامی بتواند از فهرست سیاه «اف ای تی اف» خارج شود.

نکته اساسی اما در این است که موضوع تحریم‌های جمهوری اسلامی بسیار فراتر از بودن نام این رژیم در لیست سیاه گروه ویژه اقدام مالی است. قرار گرفتن نام جمهوری اسلامی در لیست سیاه این نهاد مالی بین‌المللی، همراه با تحریم‌های دیرینه آمریکا و اتحادیه اروپا در ارتباط با پرونده هسته‌ای ایران، جملگی مجموعه‌ای از تحریم‌های در هم تنیده هستند که با روی کار آمدن ترامپ شرایط باز هم دشوارتری را برای جمهوری اسلامی رقم خواهند زد.

خروج از لیست سیاه گروه ویژه اقدام مالی و رهایی از مجموعه تحریم‌های آمریکا و اتحادیه اروپا، ارتباطی تنگاتنگ با بازنگری کامل جمهوری اسلامی در سیاست خارجی و دست برداشتن ارتجاع حاکم از اقدامات توسعه طلبانه، پان‌اسلامیستی و سازماندهی گروه‌های مرتجع اسلامی در منطقه و جهان دارد. تا با تحقق آن، دستکم یک امنیت حداقلی برای سرمایه و سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی در کشور فراهم گردد. چرا

که سرمایه و سرمایه‌گذاری در ایران پیش از هر چیز به امنیت اقتصادی، فضای مبادلاتی آزاد و به دور از رانت‌خواری، پولشویی و اعمال فشار سپاه پاسداران در امور اقتصادی از جمله واردات و صادرات نیازمند است. موضوعی که با پیشبرد سیاست تاکنونی جمهوری اسلامی در ایجاد ناامنی برای سرمایه و سرمایه‌گذاری‌های کلان داخلی و بین‌المللی به امری بسیار دشوار برای جمهوری اسلامی در رهایی از ورشکستگی تبدیل شده است.

آنچه که مسعود پزشکیان و روزنامه‌های حامی دولت در بوق کرنا جهت نشان دادن اراده حاکمیت برای تغییر سیاست خارجی نظام می‌دمند، چیزی در حد تبلیغات کذابی تاکنونی آنان برای جذب سرمایه در ایران نیست. موضوعی که با هر سخنرانی خامنه‌ای - به عنوان رهبر نظام و کسی که حرف اول را در کشور می‌زند - به یکباره دود می‌شود و به هوا می‌رود.

پزشکیان از موافقت خامنه‌ای در پیوستن جمهوری اسلامی به گروه ویژه اقدام مالی - که لازمه اش فاصله گرفتن از سیاست پان‌اسلامیستی و عدم حمایت از گروه‌های ارتجاعی و اسلام‌گرا در منطقه است - سخن می‌گوید، خامنه‌ای اما در همان حال از حمایت خود و نظام در سازماندهی مجدد این گروه‌ها و «محور مقاومت» و وعده قدرت‌گیری مجدد آنان در منطقه لافزنی می‌کند.

پزشکیان و روزنامه‌های حامی او، از مذاکرات مستقیم با آمریکا و اتحادیه اروپا حرف می‌زنند، خامنه‌ای و فرماندهان سپاه اما همچنان پیرامون انتقام‌گیری از ترامپ به خاطر کشتن قاسم سلیمانی رجزخوانی می‌کنند. پزشکیان و وزیر خارجه کابینه او

از مذاکره با تروئیکای اروپا در مورد پرونده هسته‌ای جمهوری اسلامی خبر می‌دهند، روزنامه‌های وابسته به خامنه‌ای و سپاه پاسداران اما از پیشروی به سمت غنی‌سازی بیشتر و تغییر ریل برنامه اتمی نظام در مسیر ساخت بمب اتمی سخن می‌گویند.

در چنین وضعیتی، که خامنه‌ای همچنان بر سیاست راهبردی خود در منطقه و جهان تأکید دارد، روشن است حتی اگر لوایح دو گانه «پالرمو» و «سی اف تی» در مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب هم شود، کمترین روزنه‌ای برای برون رفت جمهوری اسلامی از ورشکستگی کامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی متصور نیست. حتی تمایل پزشکیان و کابینه او به مذاکره با ترامپ و اتحادیه اروپا نیز تا زمانی که رهبر جمهوری اسلامی بر تقویت «محور مقاومت» و سیاست توسعه طلبانه خود در منطقه اصرار دارد، نه فقط راه به جایی نخواهد برد، بلکه شرایط را برای هیئت حاکمه از جمیع جهات بحرانی‌تر هم خواهد کرد.

از اینرو، فرو رفتن جمهوری اسلامی در گرداب ورشکستگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و شکست کامل نظام در عرصه داخلی و بین‌المللی فرصت مناسبی را برای توده‌های مردم ایران جهت ورود به مبارزات خیابانی ایجاد کرده است. فرصتی مغتنم برای گسترش مبارزات توده‌ای، دامن زدن به اعتصابات سراسری کارگری، عمق بخشیدن به مبارزات زنان، معلمان، بازنشستگان، نویسندگان، هنرمندان، زندانیان سیاسی و دیگر لایه‌های اجتماعی جهت تعیین تکلیف نهایی با ارتجاع حاکم بر ایران. فرصتی تاریخی که شرایط را برای سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی، برپایی یک انقلاب اجتماعی و ایجاد حاکمیت شورایی کارگران و زحمتکشان فراهم ساخته است.

سازمان فدائیان (ره‌تپ)

اعتصاب و ایجاد تشکل‌های مستقل،

حق مسلم کارگران است!

کار - نان - آزادی - حکومت شورایی

تورم و آمار جعلی بانک مرکزی

اشاره شد، تشدید رکود هم به یکی از عوامل افزایش قیمت‌ها و رشد تورم تبدیل شده است. گزارش‌ها و آمار ساخته‌وپرداخته‌ای که مراکز دولتی از نرخ تورم ۳۵ تا ۴۰ درصدی در چند سال ارائه داده‌اند، چنان در میان مردم بی‌اعتبارند که کسی اهمیتی به این آمار نمی‌دهد. چراکه مردم، گرانی و تورم را روزمره در زندگی‌شان تجربه می‌کنند و می‌بینند که ارزش دستمزد و حقوقی که همراه دریافت کنند، مدام کاهش می‌یابد، قیمت کالاها پی‌درپی افزایش پیدا می‌کند و روزبه‌روز، تأمین نیازهای روزمره‌شان دشوارتر و فقیرتر می‌شوند. بنابراین، از دیدگاه آن‌ها کاملاً بی‌اهمیت است که مراکز اقتصادی و آمارگیری رژیم از کاهش یا افزایش نرخ تورم گزارش بدهند.

تحت چنین شرایطی که مردم زحمتکش هرروز شاهد افزایش بهای کالاها و موردنیاز خود هستند و به‌طور واقعی ارزش دستمزد و حقوق آن‌ها روزمره کاهش می‌یابد، آن‌هم در شرایطی که در فاصله ۴ ماه ارزش ریال چنان کاهش‌یافته که نرخ دلار در بازار آزاد از ۵۸ هزار به ۸۲ هزار تومان افزایش‌یافته است و نرخ ارز رسمی کشور که مبنای قیمت‌گذاری منابع ملی و واردات موردنیاز بخش حقیقی اقتصاد است، از ۴۵۲۰۰ تومان در ابتدای شهریور به حدود ۶۴۵۰۰ تومان افزایش‌یافته است، مضحک آنجا است که بانک مرکزی گزارشی انتشار می‌دهد و به مردم ایران بشارت می‌دهد که در طول یک سال گذشته، نرخ تورم کاهش‌یافته و کاهش نرخ تورم آذرماه در ۵۰ ماه گذشته سابقه نداشته است. در گزارشی که بانک مرکزی هفته گذشته انتشار داد، آمده است: "تورم ماهانه شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی بر اساس سال پایه ۱۴۰۰ در آذرماه به ۱/۷ درصد رسید که این میزان نسبت به آبان ماه معادل ۱/۳ واحد درصد کاهش نشان می‌دهد. لازم به ذکر است تورم ماهانه آذرماه کمترین میزان تورم ماهانه شاخص کل از ابتدای سال جاری تاکنون بود.

همراستا با کاهش تورم ماهانه، تورم نقطه‌به‌نقطه شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی نیز با ثبت تورم ۳۳/۸ درصد در آذرماه سال جاری به کمترین سطوح خود در پنجاه‌وچهار ماه اخیر (از تیر سال ۱۳۹۹) رسید. تورم دوازده‌ماهه منتهی به آذرماه ۱۴۰۳ نیز در ادامه روند کاهشی خود با ۱/۰ واحد درصد کاهش نسبت به ماه قبل به ۳۶/۳ درصد رسید که بعد از گذشت ۵۰ ماه

(از آبان سال ۱۳۹۹) به کمترین میزان خود رسیده است."

مقدم بر هر چیز باید گفت، همین نرخ تورم دوازده‌ماهه ۳۳/۶ درصدی جعلی بانک مرکزی، تورمی چنان بالاست که ایران را در میان ۵ کشور با بالاترین نرخ تورم در سراسر جهان قرار داده است. بانک مرکزی با ادعای کذب خود می‌خواهد چه چیزی را ثابت کند؟ می‌خواهد به مردمی که ناظر و شاهد بوده‌اند که کالاهای موردنیازشان در دوازده ماه گذشته گاه ۱۰۰ درصد و حتی بیشتر افزایش‌یافته است، بگوید وضع بهتر شده است؟ روشن است که مردم به این ادعای غیرواقعی باور ندارند. اما بی‌دلیل هم کاهش نرخ تورم مطرح نشده است. بانک مرکزی، هدف دارد. کارگران، کارمندان و بازنشستگان خواهان افزایش حقوق خود هستند. درواقع بانک مرکزی و دیگر مؤسسات آمار سازی رژیم هدفشان زمینه‌سازی است برای این‌که رقم تورم را به افزایش ناچیز دستمزد و حقوق در سال آینده نزدیک‌تر سازند. این در حالی است که تأثیر افزایش نرخ ارزهای خارجی به‌ویژه دلار برافزایش بهای کالاها، تازه در همین ماه‌های آخر سال آشکار خواهد شد.

امروز دیگر به جز مفت‌خورهای وابسته به دستگاه دولت دینی، کسی نیست که تأثیر وحشتناک تورم را در زندگی خود نبیند. روزنامه‌ها و خبرگزاری‌های رژیم، هم‌روزه گزارش‌هایی از افسارگسیختگی تورم انتشار می‌دهند. چند روز پیش، خبرگزاری مهر در مورد هزینه‌های یک بازنشسته با دو فرزندش نوشت: "یک


مادر بزرگ و پدر بزرگ برای دیدار دو ساعت فرزندشان بدون تجملات و با کمترین میزان ممکن باید سه میلیون تومان هزینه کنند. ساعتی یک و نیم میلیون تومان! در صورتی‌که کل درآمد یک ماه بازنشسته در شهری مانند سمنان ۹ الی ۱۰ میلیون تومان است. این یعنی یک پدر و مادر باید یک‌سوم درآمد یک ماهشان را بدهند تا دو ساعت فرزندان و نوه‌هایشان را ببینند و کنارشان یلدا را سپری کنند. همین خبرگزاری می‌افزاید: برنج طارم کیلوگرمی ۱۲۸ هزار تومان است، گوشت گوسفندی ۶۲۰ هزار تومان و یک کیلوگرم عدس ۱۳۵ هزار تومان درحالی‌که همین قلم کالا سه ماه قبل زیر ۱۰۰ هزار تومان بود!"

خبرگزاری تسنیم نیز می‌نویسد: "از تاریخ ۷ مهرماه سال جاری قیمت محصولات لبنی ۳۰ درصد افزایش یافت.

۱۹ شهریور، نان سنگک ساده از ۳ به ۵ هزار تومان، نان بربری ساده با آرد نوع یک، از ۱ هزار و هشتصد تومان به ۲ هزار و پانصد تومان و بربری ساده با آرد نوع دو از ۲ هزار و پانصد تومان به ۳ هزار و پانصد تومان رسید. ...

ابتدای سال هر کیلوگرم برنج ایرانی بسته‌بندی باکیفیت بالا ۱۲۳ هزار تومان خریدوفروش می‌شد و این عدد امروز با افزایش حدود ۱۴ درصدی به ۱۴۰ تا ۱۵۰ هزار تومان (بسته به برند) رسیده است. قیمت کله و پاچه روند افزایشی دارد به‌طوری‌که امروز نرخ هر دست کله و پاچه گوسفندی ۸۷۰ هزار تومان بوده که تقریباً با یک کیلوگرم گوشت ران گوسفندی باقیمت ۸۶۰ هزار تومان برابری می‌کند."

۳۰ آذر، اقتصاد ۱۰۰ نوشت: رصد هفتگی بازار کالاهای اساسی از افزایش قیمت‌ها در درصافه ۹



کار - نان - آزادی **حکومت شورائی**

رژیم جمهوری اسلامی

را باید با یک اعتصاب عمومی

سیاسی و قیام مسلحانه بر انداخت.

زنده باد آزادی - زنده باد سوسیالیسم

تورم و آمار جعلی بانک مرکزی

کمک‌های مالی

سوئیس

| | |
|----------|------------------------|
| ۳۰ فرانک | علی‌اکبر صفایی فراهانی |
| ۴۰ فرانک | سیامک اسدیان (اسکندر) |
| ۳۰ فرانک | حمید اشرف |
| ۵۰ فرانک | محمد کاسه‌چی |
| ۵۰ فرانک | امیر نبوی |

دانمارک

| | |
|----------|-------------|
| ۲۰۰ کرون | هوشنگ احمدی |
| ۲۰۰ کرون | دکتر نریمسا |

ایران

| | |
|----------------|-----------------|
| ۱ میلیون تومان | آبان ادامه دارد |
|----------------|-----------------|

آمریکا

| | |
|----------|---------------------------|
| ۲۵ دلار | مهسا |
| ۵۰ دلار | از سیاهکل تا حکومت شورایی |
| ۱۰۰ دلار | رفیق توکل حکومت شورایی |

هلند

| | |
|---------|-------------|
| ۵۰ یورو | داوود مدائن |
|---------|-------------|

آلمان

| | |
|----------|-----------------------------|
| ۱۰۰ یورو | از ویدا موحد تا آهو دریایی! |
| ۵۰ یورو | افسانه |

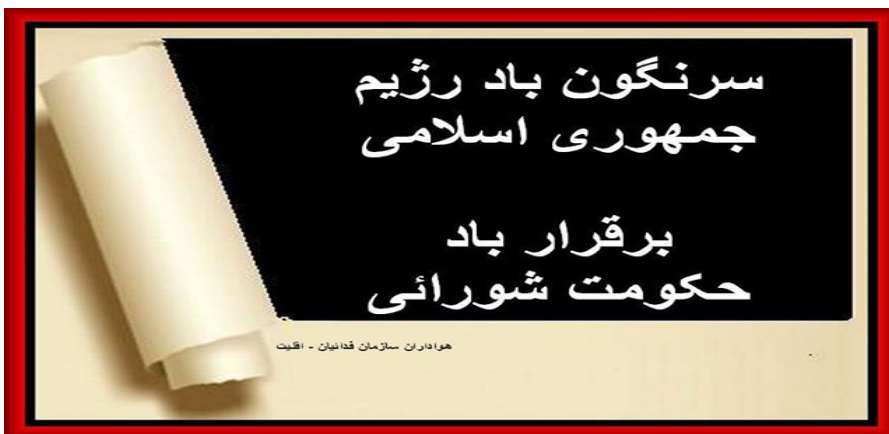
دیگری هم برای جبران هزینه‌های خود پیدا کرده و تبدیل شده است به دلال فروش ارز و طلا در بازار. کابینه پزشکیان هفت تا هشت میلیارد دلار از صندوق توسعه ملی برداشت کرده و آن‌ها را در بازار به قیمت بالائی می‌فروشد. یعنی خودش عمداً بهای دلار را افزایش می‌دهد تا پول بیشتری به دست آورد. هم‌زمان با آن اسکناس بیشتری هم چاپ می‌کند. همین اقدام نیز ارزش پول را کاهش می‌دهد و باعث افزایش قیمت‌ها می‌گردد. بخشی هم از همین ارز را به قیمت پائین تری برای واردات کالای مصرفی یا مواد خام و کالاهای واسطه‌ای به سرمایه‌داران می‌فروشد که آن‌ها هم به‌نوبه خود باعث گران شدن کالاها و افزایش نرخ تورم می‌گردد. بنابراین روشن است که چرا حجم نقدینگی مدام افزایش می‌یابد. حجم نقدینگی تا اول آذرماه از ۹ هزار و ۳۹۲ هزار میلیارد تومان عبور کرد و تنها در ۸ ماه امسال ۱۵۰۰ هزار میلیارد رشد داشت. تمام این واقعیت‌ها نشان می‌دهند که برخلاف ادعای بانک مرکزی، نرخ تورم نه کاهش بلکه افزایش یافته است. برکسی هم پوشیده نیست که این افزایش نرخ تورم دورقمی چه بر سر توده‌های زحمتکش مردم ایران آورده است. فقط کافی است اشاره کنیم که خبرگزاری دولتی ایلنا اعلام کرد "از زمان روی کار آمدن پزشکیان تا آبان ماه، هزینه‌های معیشتی ۴۰ درصد افزایش یافته‌اند." واقعیت این است که جمهوری اسلامی راحلی برای اقتصاد رکود- تورمی مزمن سرمایه‌داری ایران ندارد. تمام تلاش‌های طبقه حاکم و سیاست‌های آن برای مهار این بحران همواره به شکست انجامیده‌اند. این بحران، راحلی در چهارچوب نظم سرمایه‌داری حاکم ندارد. راحلی انقلابی را می‌طلبد. باید از بنیاد دگرگون شود و نظم سوسیالیستی جایگزین آن گردد.

بازار لبنیات، حبوبات، برنج و ماکارونی حکایت دارد. به‌عنوان مثال، قیمت پنیر ۴۰۰ گرمی کم‌چرب یکی از برندها از ۶۹ هزار تومان به ۷۴ هزار تومان در هفته گذشته تغییر کرد. اما این افزایش در هفته جاری هم ادامه داشت و نرخ هر بسته به ۷۹ هزار تومان رسیده است. یک بسته ۹۰۰ گرمی لوبیاچی از مبلغ ۱۸۳/۹۰۰ تومان به ۲۱۹/۹۰۰ تومان افزایش یافته است. بسته‌های جدید ماکارونی هم با نرخ‌های جدید عرضه شده‌اند و بسته‌های ۵۰۰ گرمی از ۱۹ هزار تومان به ۲۴ هزار تومان و بسته‌های ۷۰۰ گرمی از ۲۷ هزار تومان به ۳۳ هزار تومان رسیده است. قیمت انواع گوشت مرغ بسته‌بندی از کیلویی ۱۴۰ هزار تا ۲۰۰ هزار تومان.

این افزایش بهای کالاها تنها چند ماه اخیر را در بر می‌گیرد و نه دوازده ماه مورد اشاره بانک مرکزی. اگر تمام افزایش قیمت‌ها در طول یک سال گذشته در نظر گرفته شود، اغلب کالاها رشدی ۵۰ تا صد درصد داشته‌اند. گزارش‌های سایت‌های خبری وابسته به خود رژیم که به آن‌ها اشاره شد، چه چیزی را نشان می‌دهد؟ ادعاهای جعلی بانک مرکزی.

از این گذشته، آماري که موسسات دولتي ارائه می‌دهند از جمله همین آمار ادعایی بانک مرکزی در مورد کاهش نرخ تورم، با هیچ تحلیل اقتصادی سازگار نیست. تورم و افزایش پیاپی قیمت‌ها، ناشی از کاهش ارزش پول رسمی کشور است و اصلی‌ترین علت آن هم در این است که دولت ورشکسته جمهوری اسلامی برای تامین مخارج خود مدام مبادرت به چاپ و انتشار پول کاغذی بی‌پشتوانه می‌کند که ما به ازایی در تولید ندارد. کسری بودجه سال جاری که ظاهراً حدود ۷۰۰ هزار میلیارد تومان برآورد شده بود، اکنون با همان شیوه مرسوم چاپ پول به رقمی حدود ۳۰۰ تا ۴۰۰ هزار میلیارد کاهش یافته است. سال آینده نیز وضع خرابتر از امسال خواهد بود. ابراهیم بهادرانی، مشاور عالی رئیس اتاق تهران در جلسه بررسی لایحه بودجه سال ۱۴۰۴ گفت: رقم کسری بودجه سال ۱۴۰۴ حدود ۱۸۰۵ هزار میلیارد تومان برآورد می‌شود. جمهوری اسلامی چگونه می‌خواهد این کسری بودجه نزدیک به دو تریلیونی را تامین کند؟

سهل و سادترین راه تأمین این کمبود که به‌هرحال باید برای پرداخت‌های فوری دولتی تأمین گردد، صدور اسکناس‌های کاغذی بی‌ارزش است. دولت اخیراً راه



تورم و آمار جعلی بانک مرکزی

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri
Postfach 410
4410 Liestal
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

info@fadaian-minority.org

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

http://T.me/fadaian_aghaliyat

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

kar@fadaian-minority.org

KAR Organization
Of Fadaian (Aghaliyat)
No 1103 January 2025

تولید فولاد خام ایران نیز به خاطر قطعی برق در تابستان امسال افتی ۴۶ درصدی داشته است.

"دبیر انجمن صنفی کارفرمایان صنعت سیمان ایران از توقف تولید در ۲۲ کارخانه سیمان کشور به خاطر کسری گاز خبر داد و گفت بقیه کارخانه‌ها نیز با قطعی چندساعته برق مواجه هستند و زیر ظرفیت کار می‌کنند.

تابستان امسال نیز کارخانه‌های سیمان ایران به خاطر کسری شدید برق، غیرفعال شدند؛ به طوری که در نتیجه آن، مرداد امسال قیمت سیمان جهشی ۹۰ درصدی را شاهد بود و فعالان حوزه عمران از توقف پروژه‌های ساخت‌وساز خبر دادند."

این تشدید رکود، که با بیکارسازی‌های گسترده، کاهش دستمزدها، به تعویق افتادن دستمزد و دیگر مطالبات کارگران همراه بوده است، شرایط زندگی کارگران را به درجه تحمل‌ناپذیری و خیم‌تر و دشوارتر ساخته است. اما در اقتصاد از هم‌گیخته ایران، همان‌گونه که در مورد سیمان به آن

در صفحه ۸

پرستاران و بازنشستگان خواستار افزایش دستمزد و حقوق، مستمری‌ها و مطالبات معوقه خود هستند. اما وخامت اوضاع اقتصادی به درجه‌ای است که اخیراً حتی کاسبکاران بازار و خرده تولیدکنندگان نیز تجمع و تظاهرات برپا می‌کنند. آن‌ها نیز به کساد و رکود بازار، کاهش سود، کمبود دلار و قطعی برق و کمبود گاز اعتراض دارند. بازاریان و تولیدکنندگان خرد در تجمعات اعتراضی اخیر خود به افزایش نرخ ارز و گرانی مواد اولیه، رکود شدید بازار، کمبود مواد اولیه برای ادامه تولید و کمبود نقدینگی اعتراض داشتند.

روز ۱۱ دی، رئیس اتاق بازرگانی، صنایع و کشاورزی در دیدار با پزشک‌های گفت: بیشتر واحدهای صنعتی و تولیدی با ظرفیت ۵۰ درصد یا کمتر مشغول فعالیت‌اند. رئیس اتاق اصناف کشاورزی ایران نیز از کاهش ۳۰ درصدی تولید کشت پاییزی به خاطر قطع برق خبر داد. اتحادیه مرغداران از آسیب ۲۰ درصدی قطع برق به مرغداری‌های کشور خبر داده است. آمارهای مجمع جهانی فولاد نشان می‌دهد،



tvshorashora@gmail.com

تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای زحمتکش و ستم دیده ای است که برای آزادی و سوسیالیسم بیکار می کنند

بینندگان تلویزیون دمکراسی شورایی، دوستان، رفقا و همراهان

تلویزیون دمکراسی شورایی در روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب و در روزهای سه شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم تا هشت شب به وقت ایران، برنامه‌های خود را به مدت ۹۰ دقیقه روی شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست پخش می کند .

برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی را همچنین می توانید در سایت سازمان فداییان (اقلیت) و شبکه های اجتماعی فیسبوک، تلگرام، اینستاگرام و یوتوب نیز دنبال کنید. مشخصات تلویزیون دمکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید . مشخصات ماهواره‌های شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی

Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل تلویزیون دمکراسی شورایی: tvshorashora@gmail.com
شماره تلفن : ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی